نگرانی سران بریکس از تحریم‌های یکجانبه خارج از چارچوب شورای امنیت سازمان ملل

صف‌آرایی در دهلی

گروه سیاسی: هجدهمین اجلاس سران بریکس در دهلی‌نو در شرایطی برگزار می‌شود که جنگ آمریکا علیه ایران، فشارهای اقتصادی و تحریمی آن و بحران امنیت انرژی، این نشست را به یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های دیپلماتیک سال تبدیل کرده است. در چنین شرایطی حضور رئیس‌جمهور در کنار رهبران چین، روسیه، هند، آفریقای جنوبی، مصر، امارات و دیگر اعضای بریکس صرفا یک حضور تشریفاتی نیست، بلکه نشان می‌دهد این اجلاس یک فرصت ارزشمند برای فعال کردن همزمان مسیرهای سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای برای ایران خواهد بود. به گزارش «وطن امروز»، بریکس پس از گسترش اعضا به یک مجموعه بزرگ‌تر از اقتصادهای نوظهور تبدیل شده و اکنون نزدیک نیمی از جمعیت جهان را نمایندگی می‌کند. با وجود اختلاف منافع میان اعضا، نشست دهلی نشان می‌دهد این مجموعه در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین سکوهای گفت‌وگو درباره نظم جهانی، تجارت، انرژی، تحریم‌ها و امنیت بین‌المللی است. حضور همزمان ایران، روسیه، چین، هند و کشورهای عرب خلیج فارس دور یک میز، اهمیت ژئوپلیتیک این اجلاس را برای تهران دوچندان کرده است. در واقع از چین و هند با میلیاردها نفر جمعیت تا روسیه و ایران در میان قدرت‌های مهم انرژی و برزیل در زنجیره غذا و مواد خام همگی عضو بریکس هستند و همین ترکیب باعث شده بریکس دیگر فقط یک نشست میان چند کشور نباشد و به بستری برای همکاری اقتصادی میان بخش مهمی از جنوب جهان تبدیل شود؛ بستری که حالا بحث‌هایی مانند تجارت با ارزهای ملی، کاهش وابستگی به دلار و ایجاد مسیرهای تازه برای سرمایه‌گذاری و تامین مالی را به یکی از محورهای اصلی خود تبدیل کرده است.بریکس امروز شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، اتیوپی، امارات عربی متحده، عربستان و اندونزی است. در کنار اعضای اصلی، سازوکار کشورهای شریک نیز ایجاد شده و کشورهایی از مناطق مختلف جهان به این قالب پیوسته‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد بریکس تنها به دنبال افزایش تعداد اعضای خود نیست، بلکه در حال ایجاد شبکه گسترده‌تری از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی است. حضور دکتر مسعود پزشکیان در اجلاس سران بریکس نشان‌دهنده اهمیت این سازمان بین‌المللی برای ایران در شرایط تشدید تحریم‌ها و جنگ تمام‌عیار آمریکا علیه ایران است. از همین رو دیدارهای جانبی رئیس‌جمهور در این اجلاس با برخی سران کشورها زیر قاب دوربین‌ها و خبرگزاری‌ها قرار داشته است.

■ پزشکیان ـ مودی؛ تجارت و امنیت دریایی

مهم‌ترین دیدار دوجانبه رئیس‌جمهور در آغاز این سفر، گفت‌وگو با نخست‌وزیر هند بود. این دیدار در آستانه اجلاس سران بریکس انجام شد و از آن جهت اهمیت دارد که هند همزمان روابط نزدیکی با ایران، روسیه، کشورهای عرب و آمریکا دارد و تلاش می‌کند در بحران کنونی نوعی موازنه را دنبال کند. نارندرا مودی در پست اینستاگرامی خود با ابراز خوشحالی از دیدار با پزشکیان در دهلی، بر دوستی مبتنی بر برد - برد تاکید کرد. نخست‌وزیر هند در پست اینستاگرامی‌اش نوشت: خوشحالم در دهلی با دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران دیدار کردم. وی افزود: ما درباره پیشبرد دوستی هند و ایران با یک استراتژی بلندمدت برد-برد (win-win) گفت‌وگو کردیم. مودی اضافه کرد: هند در تعهد خود برای پیگیری صلح پایدار در منطقه، ثابت‌قدم باقی می‌ماند.رئیس‌جمهور هم در دیدار نخست‌وزیر هند بر ضرورت توسعه همکاری‌های مشترک و تداوم توافقات راهبردی تاکید کرد. پزشکیان تقویت و گسترش ارتباطات بین کشورهای منطقه را ضروری دانست و یادآور شد: جمهوری اسلامی ایران و هند دارای مشترکات متعددی هستند و این اشتراکات می‌تواند به توسعه همکاری‌ها کمک کند. وی با اشاره به میزبانی هند از نشست بریکس اظهار کرد: توسعه ارتباطات بین کشورهای عضو بریکس در تمام حوزه‌ها به‌خصوص حوزه‌های اقتصادی و مالی مورد تاکید جمهوری اسلامی ایران است.اهمیت این دیدار برای ایران تنها اقتصادی نیست. هند یکی از معدود قدرت‌هایی است که همزمان با تهران، مسکو و واشنگتن ارتباط راهبردی دارد. بنابراین گفت‌وگوی مستقیم پزشکیان و مودی در شرایط جنگ، برای تهران فرصتی است تا مواضع خود درباره جنگ، تحریم‌ها، تجارت و امنیت انرژی را مستقیما با یکی از مهم‌ترین قدرت‌های آسیا در میان بگذارد.

■ دیدار ولیعهد ابوظبی؛ مهم‌ترین پیام منطقه‌ای

یکی دیگر از مهم‌ترین تحولات دیپلماتیک سفر پزشکیان را باید در دیدار او و شیخ خالد بن محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی جست‌وجو کرد. این دیدار در حاشیه اجلاس بریکس و در شرایطی انجام شد که ایران و امارات طی ماه‌های گذشته درگیر جنگ در منطقه بوده‌اند.خبرگزاری رویترز این دیدار را بالاترین سطح گفت‌وگوی ایران و امارات از زمان آغاز جنگ توصیف کرد. ۲ طرف درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، کاهش تنش، ثبات منطقه و تلاش‌ها برای پیشبرد صلح و توسعه گفت‌وگو کردند. همزمان تهران و ابوظبی از بیانیه مشترک بریکس درباره ضرورت خویشتن‌داری در جنگ منطقه‌ای حمایت کردند.این دیدار از یک جهت حتی مهم‌تر از مناسبات دوجانبه است، زیرا نشان می‌دهد بریکس در شرایطی که اختلافات میان اعضایش بسیار شدید است، می‌تواند حداقل یک میز گفت‌وگو ایجاد کند.

■ روسیه؛ ضلع راهبردی سیاست خارجی تهران

رئیس‌جمهور همچنین در دهلی در کنار ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در نشست اقتصادی بریکس حضور یافت. ۲ کشور در شرایط جنگ کنونی، یکی از مهم‌ترین روابط راهبردی دوجانبه را شکل داده‌اند و حضور همزمان روسای جمهوری ایران و روسیه در این اجلاس پیام روشنی درباره تداوم همکاری تهران و مسکو در خارج از چارچوب غرب دارد.پوتین در نشست اقتصادی بریکس بر تبدیل این گروه به یک ساختار عملی‌تر در حوزه فناوری، زیرساخت، پرداخت‌ها و سرمایه‌گذاری تأکید کرد. پزشکیان نیز خواستار استفاده بیشتر از ارزهای ملی در تجارت میان اعضا و ایجاد ابزارهای مالی مشترک شد.این ۲ موضع در کنار یکدیگر نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین اهداف تهران و مسکو در بریکس، کاهش آسیب‌پذیری تجارت کشورهای عضو در برابر نظام مالی تحت سلطه غرب است.

از این منظر، بریکس برای ایران فقط یک نهاد سیاسی نیست؛ بلکه می‌تواند بستری برای توسعه مسیرهای پرداخت، تجارت غیردلاری و اتصال اقتصادی ایران به مجموعه‌ای از اقتصادهای بزرگ غیرغربی باشد.

رئیس‌جمهور روسیه نیز در اجلاس بریکس تصریح کرد: به خاطر تلاش‌های کشورهای غرب در مقاومت برابر جهان چندقطبی و استفاده آنها از روش‌هایی همچون باج‌گیری و اعمال زور بی‌رحمانه، کل سیستم روابط بین‌الملل در حال فروپاشی است.

پوتین با اشاره به تحولات بین‌المللی افزود: به نظر می‌رسد تشکیل یک جهان چندقطبی به‌راحتی در دسترس نیست، بلکه تحقق آن با مقاومت کسانی مواجه می‌شود که عادت دارند اساسا به شیوه‌های استعماری فکر کنند، جهان را به یک باغ شکوفا و یک جنگل وحشی تقسیم و به هزینه دیگران زندگی کنند. وی افزود: این افراد حاضر به پذیرش واقعیت در حال تغییر نیستند و تلاش می‌کنند رقبای رو به رشد را به هر طریق ممکن مهار کنند. رئیس‌جمهور روسیه ادامه داد: آنها از همه ابزارها، از جمله جنگ‌های تعرفه‌ای، تحریم‌های نامشروع، تلاش برای دیکتاتوری اقتصادی، باج‌گیری، دخالت در امور داخلی و اعمال زور بی‌رحمانه استفاده می‌کنند. در نتیجه اقدامات کشورهای حامی روند یکجانبه‌گرایی، تنش‌های دیرینه دوباره شعله‌ور می‌شود و آنها درگیری‌ها و اختلافات جدیدی را برمی‌انگیزند. در نتیجه، کل سیستم روابط بین‌الملل در حال شکست است و اثربخشی تعدادی از ساختارها و نهادهای چندجانبه کاهش یافته است.

■ چین؛ همگرایی در برابر یکجانبه‌گرایی

چین نیز یکی از مهم‌ترین اضلاع اجلاس بریکس در دهلی است. شی جین‌پینگ در سخنرانی خود از اعضای بریکس خواست در مسیر ایجاد نظم عادلانه‌تر جهانی حرکت کنند و آمادگی خود را برای ایفای نقش در برقراری صلح و ثبات در خاورمیانه اعلام کرد.

پکن در شرایط کنونی مهم‌ترین قدرت اقتصادی بریکس محسوب می‌شود که توانایی ایجاد مسیرهای جایگزین برای تجارت و سرمایه‌گذاری ایران را دارد. از همین رو همنشینی تهران و پکن در قالب اجلاس بریکس یک پیام سیاسی مهم برای واشنگتن دارد. رئیس‌جمهور چین در اجلاس بریکس با اشاره به پیامدهای تنش‌های خاورمیانه بر مردم این منطقه تصریح کرد پکن مایل به همکاری با سایر اعضای این گروه برای ایفای نقش شایسته برای تحقق صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. شی افزود: این جنگ خسارات و تلفات سنگینی به مردم سراسر منطقه وارد کرده و در خدمت منافع مشترک جامعه بین‌المللی نیست. این اظهارات در حالی مطرح شد که اقدامات جنگ‌طلبانه آمریکا در غرب آسیا بر نقل و انتقال انرژی و سایر کالاها از مسیر دریایی این منطقه تاثیر گذاشته است. رئیس‌جمهور چین همچنین به سیاست‌های تک‌قطبی اشاره و از اعضای گروه بریکس خواست با تعرفه‌های خودسرانه و هرگونه حمایت‌گرایی تجاری مخالفت کنند. وی در این نشست خواستار همکاری‌ها در زمینه هوش مصنوعی شد و ابتکاری را برای پیشبرد صنعتی سازی جدید از طریق هوش مصنوعی پیشنهاد کرد.

■ اهمیت حضور قاهره در دهلی

رئیس‌جمهور مصر نیز از رهبران حاضر در اجلاس دهلی است. مصر برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این کشور علاوه بر وزن سیاسی در جهان عرب، کنترل کانال سوئز را در اختیار دارد و هر تحول در امنیت دریای سرخ و باب‌المندب مستقیما با منافع مصر ارتباط پیدا می‌کند.ایران و مصر طی دوره ریاست‌جمهوری پزشکیان مسیر احیای گفت‌وگوهای سیاسی را دنبال کرده‌اند و ۲ رئیس‌جمهور پیش از این نیز در حاشیه اجلاس‌های بین‌المللی با یکدیگر دیدار داشته‌اند.حضور عبدالفتاح سیسی در هند از این جهت برای تهران اهمیت دارد که مصر یک بازیگر عرب نزدیک به ساختارهای سنتی امنیتی منطقه است. بنابراین هرگونه گفت‌وگوی تهران و قاهره در چارچوب بریکس می‌تواند بخشی از تلاش برای مدیریت تنش در منطقه به شمار رود.

■ آفریقای جنوبی، اتیوپی و دیگر اعضا

سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی و ابی احمد، نخست‌وزیر اتیوپی نیز از رهبران حاضر در اجلاس هستند. آفریقای جنوبی از مهم‌ترین کشورهای قاره سیاه و یکی از منتقدان جدی سیاست‌های یکجانبه غرب محسوب می‌شود و اتیوپی نیز به عنوان یکی از قدرت‌های مهم آفریقا، وزن ژئوپلیتیک قابل توجهی در بریکس دارد.

■ بیانیه پایانی سران بریکس

نکته مهم درباره اجلاس بریکس فضای سیاسی حاکم بر این اجلاس است. رهبران بریکس در بیانیه دهلی نسبت به تشدید تنش در خاورمیانه ابراز نگرانی کرده و حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد انتقاد قرار دادند. همچنین از استفاده از تحریم‌های یکجانبه خارج از چارچوب شورای امنیت سازمان ملل انتقاد شد.کشورهای عضو بریکس همچنین در بیانیه دهلی، نگرانی جدی خود را نسبت به افزایش تعرفه‌های یکجانبه و اقدامات غیرتعرفه‌ای که تجارت را مختل می‌کند و با قوانین سازمان تجارت جهانی مغایرت دارد، ابراز و در عین حال اقدامات قهری یکجانبه را که مغایر قوانین بین‌المللی است، محکوم کردند.

این گروه همچنین از رویکردی چندجانبه که دیدگاه‌ها و مواضع ملی متنوع کشورها را در مورد مسائل مهم جهانی در نظر می‌گیرد، حمایت کرد.کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه با تشریح مهم‌ترین محورهای بیانیه سران سازمان بریکس اظهار کرد: محکومیت حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت پادمان، مخالفت با تحریم‌های یکجانبه، حمایت از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، تأکید بر حاکمیت ملی کشورها و حمایت از فلسطین، از مهم‌ترین محورهای بیانیه پایانی هجدهمین اجلاس سران بریکس است که با مواضع جمهوری اسلامی ایران همراستاست.

درباره ادعای ترامپ مبنی بر دخالت ایران در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا

از تسلیم شوید تا دخالت نکنید!

محمدامین هدایتی

رئیس‌جمهور آمریکا طی روزهای اخیر در چند نوبت مدعی شده جمهوری اسلامی ایران در حال تاثیرگذاری بر انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکاست. ترامپ حتی از مردم آمریکا خواسته نسبت به دخالت ایران در انتخابات کنگره هوشیار باشند. کاملا پیداست این ادعای ترامپ برای تهییج و برانگیختن احساسات جامعه آمریکاست و تلاش می‌کند بخشی از افکار عمومی آمریکا را ترغیب کند برای مقابله با دخالت ایران، به کاندیداهای وابسته به او و حزب جمهوری‌خواه رأی بدهند. بنابراین این یک ترفند انتخاباتی است که رئیس‌جمهور آمریکا برای اثرگذاری در انتخابات کنگره به آن متوسل شده است. با این حال، بیان این ادعا، پیام‌ها و پیامدهای مهمی به دنبال خواهد داشت. ادعای ترامپ مبنی بر تلاش ایران برای دخالت در انتخابات آمریکا در حالی مطرح می‌شود که او هم در جریان جنگ تحمیلی ۴۰ روزه علیه ایران و هم پس از توقف جنگ، ده‌ها بار مدعی شده توانسته ایران را شکست دهد. ترامپ مدعی است ۹۰ درصد توان دفاعی ایران را از بین برده و ایران اکنون التماس می‌کند با آمریکا یک توافق هسته‌ای انجام دهد. به عبارتی ترامپ تلاش کرده در کنار القای پیروزی آمریکا در جنگ علیه ایران، تصویری شکست‌خورده و مستاصل از ایران ارائه دهد. کما اینکه او اخیرا در اظهارنظرهایش مدعی شد با وجود تمایل ایران برای انجام توافق با آمریکا اما او تمایل چندانی برای توافق ندارد، زیرا اهداف آمریکا از جنگ علیه ایران محقق شده است! اما ادعاهای ترامپ با ادعای اخیر او مبنی بر دخالت ایران در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در تناقض است. مهم‌ترین سوالی که در مقابل این ادعای ترامپ مطرح می‌شود این است: اگر آنگونه که ترامپ ادعا می‌کند، ایران در جنگ ۴۰ روزه شکست خورده و یک کشور در حال فروپاشی است، اکنون با چه قدرت و توانی در حال اثرگذاری بر انتخابات آمریکاست؟ قاعدتا اگر ایران به دنبال نقش‌آفرینی در انتخابات آمریکاست، باید اهرم‌های فشار و کریدورهای اثرگذاری بر افکار عمومی آمریکا را در اختیار داشته باشد. بنابراین اگر ایران به دنبال دخالت در انتخابات آمریکاست، ابزار، امکانات و قدرت اثرگذاری بر افکار عمومی آن کشور را دارد. در واقع یک کشور قدرتمند است که می‌تواند افکار عمومی آمریکا را به سمت و سوی دلخواه خود حرکت دهد. به همین خاطر، این ادعای ترامپ در وهله نخست، ادعای او مبنی بر شکست ایران و موقعیت متزلزل ایران پس از جنگ ۴۰ روزه را زیر سوال می‌برد. در کنار این ادعای ترامپ، برخی رسانه‌های حامی او نیز اقدام به تشریح این ادعا کرده‌اند. آنها مدعی هستند بستن تنگه هرمز، همچنین تحرکات مقاومت یمن، بویژه در تسلط بر تنگه باب‌المندب، از جمله اقداماتی است که ایران از آنها برای تضعیف موقعیت ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا استفاده می‌کند. به عبارتی آنها می‌گویند هدف سیاست ایران در قبال تنگه هرمز و باب‌المندب، اثرگذاری بر انتخابات آمریکا و شکست خوردن ترامپ و جمهوری‌خواهان است. این ادعا نیز با مواضع ترامپ در قبال تنگه هرمز در تناقض است. ترامپ مدعی است تنگه هرمز در اختیار آمریکاست و آمریکا روزانه بین ۹ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت از این تنگه منتقل می‌کند. بنابراین اکنون این سوال مطرح است: اگر آنگونه که ترامپ ادعا می‌کند آمریکا کنترل تنگه هرمز را در دست دارد، پس مبنای این ادعا که ایران با بستن تنگه هرمز و افزایش قیمت نفت و افزایش قیمت سوخت در آمریکا، به دنبال اثرگذاری بر انتخابات آمریکاست چیست؟ بنابراین پیداست ادعاهای ترامپ در قبال ایران در تضاد با یکدیگرند. جدا از این تناقضات، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا خواسته یا ناخواسته در حال ارتقای برند جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت جهانی و تاثیرگذار است. اگر تا پیش از این و در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا، دموکرات‌ها مدعی دخالت روسیه در این انتخابات و برکشیدن ترامپ بودند، حالا ترامپ مدعی است جمهوری اسلامی ایران در حال اثرگذاری بر انتخابات آمریکا است. این اظهارنظر ترامپ، جدا از صحت یا عدم صحت، یک اعتراف مهم درباره قدرت و جایگاه ایران است. در واقع، ترامپ با اینکه تلاش می‌کند خود را پیروز جنگ تحمیلی علیه ایران جا بزند اما با رفتارهای خود، ارتقای جایگاه جهانی ایران را ثابت می‌کند. ۹ اسفند ۱۴۰۴ تنها ساعاتی پس از آغاز جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، ترامپ مدعی شد این جنگ تنها زمانی متوقف خواهد شد که ایران در برابر آمریکا تسلیم شود. ترامپ تصریح کرد زمانی حملات به ایران را متوقف خواهد کرد که جمهوری اسلامی، برنامه هسته‌ای خود را برچیند، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را تحویل آمریکا بدهد، برنامه موشکی خود را محدود و در واقع بی‌خاصیت کند، سیاست‌های منطقه‌ای خود را تغییر داده و جبهه مقاومت را خلع سلاح کند و در نهایت کنترل ذخایر و منابع نفت و گاز خود را مانند ونزوئلا در اختیار آمریکا قرار دهد. این شروطی بود که ترامپ ۶ ماه قبل برای توقف حملات به ایران تعیین کرده بود اما اینک، یعنی با گذشت بیش از ۶ ماه از آغاز حمله، رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید ایران در حال اثرگذاری بر انتخابات آمریکاست و با بیان این ادعا، تلاش می‌کند احساسات افکار عمومی آمریکا نسبت به دخالت یک قدرت خارجی را تحریک کند. همین یک گزاره به اندازه کافی گویای واقعیت‌های موجود درباره نتایج جنگ تحمیلی ۴۰ روزه علیه ایران است. ۶ ماه قبل ترامپ می‌خواست ایران را تسلیم و ضمیمه آمریکا کند اکنون اما در موضعی منفعلانه به آمریکایی‌ها می‌گوید ایران می‌خواهد او را در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره قربانی کند و از همین رو از آمریکایی‌ها می‌خواهد در برابر دخالت ایران در انتخابات آمریکا مقاومت کنند.

تاب‌آوری تأسیسی و افق قدرت جمهوری اسلامی ایران

برای چه ایستاده‌ایم؟

علی کاکادزفولی

قدرت جمهوری اسلامی را باید از توان انقلاب اسلامی برای گشودن یک افق تاریخی فهمید؛ افقی که در آن، ملت ایران خود را صاحب حق و توان تعیین سرنوشت خویش می‌شناسد. استقلال در این افق معنای «تجربه‌ای از بودن» را دارد؛ تجربه ملتی که می‌تواند منشأ تصمیم باشد و آینده‌اش را با اراده خود شکل دهد. جنگ حاضر، این جایگاه تاریخی را در معرض آزمون قرار داده و مستحکم بودنش را هم تا حد زیادی اثبات کرده است. مساله امروز ما تاب‌آوری ایران است اما این چه نسبتی با جایگاه تاریخی مورد اشاره دارد و چگونه می‌توان آن را معنا کرد؟ یادداشت حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد. از دید نگارنده، مساله تاب‌آوری ایران، حفظ و گسترش قدرتی است که به ملت امکان می‌دهد در میانه فشار، همچنان درباره آینده تصمیم بگیرد و آن را بسازد.

■ تاب‌آوری تأسیسی یعنی قدرت به مثابه توان ساختن

برای توضیح این قدرت، می‌توان از «تاب‌آوری تأسیسی» سخن گفت. تأسیس یعنی پدید آوردن امکانی که پیش‌تر در دسترس نبوده است؛ همان کاری که انقلاب اسلامی با ایجاد یک نظم سیاسی مستقل و نوین در تاریخ چند هزارساله ایران انجام داد. تاب‌آوری تأسیسی، توان تداوم این قابلیت در شرایط تهدید است. جامعه به پشتوانه این تداوم، ظرفیت‌های خود را دوباره سازمان می‌دهد، امکان‌های تازه می‌آفریند و میدان انتخابش را گسترش می‌دهد. تفاوت تعیین‌کننده در اینجاست که معیار قدرت از مقدار فشار تحمل‌شده به میزان ابتکار حفظ‌شده و توان خلق‌شده انتقال می‌یابد. ملتی که ابتکار تاریخی خود را نگه می‌دارد، می‌تواند حتی در موقعیت دفاعی، بر صورت‌بندی آینده اثر بگذارد.پس کوته‌اندیشی است اگر تاب‌آوری را «دوام آوردن» معنا کنیم. خصلت تاسیسی تاب‌آوری ایجاب می‌کند درک خود از قدرت و فرآیندهای ساخت آن را دقیق‌تر کنیم. قدرت، فقط آن اندوخته‌ای نیست که پیش از بحران در اختیار ما بوده و حفظ شده، بلکه چیزی نیز هست که در مواجهه با بحران ساخته می‌شود. روشن است با این درک، برای روایت این قدرت هم نباید صرفا به گزارش‌های پسینی پیروزی‌ها بسنده کنیم، بلکه این روایت، خود بخشی از فرآیند ساخت قدرت و گسترش افق کنش ملی است.از همین منظر می‌توان تأکید حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای بر «روایت قدرت» و پرهیز از برجسته‌سازی ضعف را نیز فهم کرد.

روایت قدرت به معنای تشخیص این نکته است که قدرت واقعی و اجتماعی‌شده جمهوری اسلامی ایران، در ادراک مردم ایران از ظرفیت کنشگری خودشان بازتولید می‌شود. ملتی که خود را صرفا در مقام تحمل‌کننده فشار روایت کند، به‌تدریج میدان امکان‌هایش را نیز در همان منطق فشار و بقا محدود می‌کند اما ملتی که تجربه تاریخی خود را از منظر توان ساختن، ابتکار و عبور از محدودیت‌ها بازخوانی کند، قدرت موجود را به سرمایه‌ای برای تولید قدرت تازه تبدیل می‌کند. از این حیث، «روایت قدرت» خود یکی از سازوکارهای تاب‌آوری تأسیسی است، زیرا حافظه جمعی را نه حول میزان آسیبی که تحمل شده، بلکه حول ظرفیت‌هایی سازمان می‌دهد که در دل تهدید پدید آمده‌اند.

انقلاب اسلامی مبدأ یک توان مستمر برای آغاز است. اصول انقلاب در مواجهه با مسائل تازه، صورت‌های تازه‌ای از عمل پیدا می‌کند. در جهان‌بینی توحیدی، قدرت‌های تاریخی محدودند و هیچ قدرت زمینی، حق تعیین بی‌قیدوشرط سرنوشت ملت‌ها را ندارد. این نگرش، افق عمل را از اندازه قدرت ظاهری دشمن وسیع‌تر می‌کند. بهترین توصیف برای شیوه کنشگری جامعه ایران، کنش مبتنی بر ایمان است و انسان مؤمن، خود را مسؤول به کار گرفتن امکان‌ها می‌داند و آینده را گشوده به کوشش و تدبیر می‌فهمد. در واقع مقاومت او، صورت دفاعی همین قدرت تأسیس است.ما فقط برای آسایش کسانی که امروز در ایران زندگی می‌کنند، ایستادگی نمی‌کنیم. هیچ ملت تاریخی، خود را به جمع افراد زنده در یک لحظه تقلیل نمی‌دهد. «ما»ی ایران از نسل‌هایی تشکیل شده که این سرزمین را به ما رسانده‌اند و نسل‌هایی که هنوز نیامده‌اند اما نتیجه انتخاب‌های امروز ما را به ارث خواهند برد. استقلال نیز امانتی میان این نسل‌هاست. اگر یک نسل حق تصمیم‌گیری درباره آینده را حفظ کند، چیزی بیش از امنیت خود را حفظ کرده؛ در واقع امکان انتخاب را به نسل بعد منتقل کرده است. از این جهت، ایستادگی امروز با آینده‌ای پیوند دارد که شاید بسیاری از ما آن را نبینیم اما در ساختن امکان‌های آن سهم داریم. پس دفاع از جمهوری اسلامی با دفاع از افقی پیوند می‌خورد که انقلاب برای کنش تاریخی ایران گشوده است.

■ چگونه پیوند میان «رنج» و «استقلال» به خودآگاهی ملی بدل می‌شود؟

فهم درست مقاومت منوط به درک پیوند میان این کنش‌ها و معنای تاریخی آنهاست. ما باید بتوانیم نسبت ایستادگی امروز با استقلال و آبادانی فردا را بفهمیم و همین فهم، خود بخشی از عمل ماست، زیرا این فهم است که جهان معنایی مشترک می‌آفریند و به تجربه‌های پراکنده ما جهت مشترک می‌دهد. هرکدام از ما در هر جایگاه، در هر موقعیتی متفاوت عمل می‌کنیم اما شناخت نسبت کارمان با بقای استقلال و پیشرفت کشور است که میان این فعالیت‌ها پیوند برقرار می‌کند. جامعه از رهگذر چنین شناختی، خود را به عنوان یک قدرت مشترک تجربه می‌کند. البته این کار بسیار بزرگ و دشواری است که توان دیدن کل را داشته باشیم و سهم خویش را در ساختن آن بشناسیم.

آنچه آمریکا و رژیم صهیونی و همپیمانان‌شان از تحمیل و فشار دنبال می‌کنند، آن است که بتوانند در ادامه آن نتیجه سیاسی خلق کنند تا امکان عمل مستقل از چشم جامعه پنهان شود. جمهوری اسلامی برای تداوم ابتکار، به فهمی از خویش نیاز دارد که ظرفیت‌هایش را در نسبت با هدف‌هایش بشناسد. چنین فهمی، نقاط قوت را به امکان‌های قابل استفاده تبدیل می‌کند و تجربه را در اختیار تصمیم قرار می‌دهد. شناخت توان، به دولتمردان و نخبگان ما اجازه می‌دهد که هر مساله را از موضع ابتکار صورت‌بندی کنند. این سطح از خودآگاهی، پشتوانه‌ای برای استقلال تصمیم در وضعیت‌های دشوار و نامطمئن فراهم می‌آورد. روایت نعمت، توان موجود را به شناخت عمومی می‌رساند. مردمی که از امکان‌های مشترک خود آگاه می‌شوند، بهتر می‌توانند برای به کار گرفتن آنها هماهنگ شوند. بنابراین بیان قدرت در فعلیت یافتن قدرت سهم دارد.

■ تاب‌آوری ملی بدون ورود مردم به حل مسائل ممکن نیست

اکنون در راستای تحولات پس از جنگ و در افق پیش روی گام دوم انقلاب، زمان آن رسیده مردمی بودن، پس از خلق یک انقلاب بزرگ که منجر به تاسیس جمهوری اسلامی ایران شد، باز هم معنای تأسیسی خود را نشان دهد و مسیر این تاسیس از مشارکت می‌گذرد. مردم با حضور در حل مساله، قابلیت‌هایی را به وجود می‌آورند که از جمع ساده امکانات فردی فراتر می‌رود. همکاری، اعتماد تولید می‌کند و اعتماد، کارهای بزرگ‌تری را ممکن می‌سازد. هر تجربه موفق عمل مشترک، تصوری را که جامعه از توان خود دارد تغییر می‌دهد. نیروی نهفته در «ما می‌توانیم» از همین تجربه تغذیه می‌کند. دولتمردان جمهوری اسلامی با گسترش میدان مشارکت عمومی، در حقیقت این سرچشمه قدرت را تقویت می‌کنند. استعدادهای محلی، دانش تخصصی و پیوندهای اجتماعی، درون یک اراده مشترک به امکان‌هایی برای حل مسائل ملی تبدیل می‌شوند و ظرفیت کشور را گسترش می‌دهند.

جامعه‌ای که به توان خود اعتماد دارد، مساله را قابل شناخت و حل می‌بیند. نقد دقیق و درست، دانش لازم برای تصحیح مسیر را فراهم می‌کند و به تکامل عمل می‌انجامد؛ نه آنکه برای چند روز در تیتر یک روزنامه‌ها با فونت درشت بنشیند و پس از برپا کردن هیاهویی زودگذر به آرشیو صفحات تاریخ بپیوندد بی‌آنکه چیزی را حل کرده باشد. تأکید بر پرهیز از سخنان ناامیدکننده از سوی رهبر انقلاب اسلامی را می‌توان در نسبت با حفظ این اراده سازنده فهمید. امید، شناخت امکان اثرگذاری و تعهد به تحقق آن است. سخن امیدآفرین، نسبت دشواری با توان عبور و ساختن را روشن می‌کند. به این ترتیب، صداقت و امید یکدیگر را تقویت می‌کنند و قدرت تشخیص به پشتوانه قدرت اقدام تبدیل می‌شود.

افق تاب‌آوری تأسیسی، گسترش امکان‌های زندگی مستقل است. می‌بینیم که جنگ توانسته مساله‌ها را فشرده و آشکار کند. معنای ایستادگی در گفتمان انقلاب اسلامی، حفظ ابتکار ملت و گسترش قدرت ساختن است؛ قدرتی که جمهوری اسلامی را در مسیر ایران مستقل‌تر، توانمندتر و آبادتر پیش می‌برد.